

تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۹/۱۸)

صبا علوی زاده شیرازی

چکیده

در این مقاله ابتدا به مفهوم تربیت که به معنی اتمام و اصلاح، رشد بخش و نمو دادن مرحله به مرحله و تربیتی تا حد نهایی آن، زیاد کردن، پاکیزه کردن، پرورش دادن و بزرگ کردن آمده است، اشاره شده و همچنین هدف از نگارش این مقاله، ارائه تصویری از تربیت اسلامی به طور کلی نقش الگوی تربیتی والدین با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه است. روش پژوهش در محدوده روش های توصیفی - پیمایشی و نوع تحقیق، کاربردی است. نمونه آماری پژوهش شامل ۲۰۷ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران و به روش تصادفی ساده به صورتی که همه اعضا شانس مساوی برای انتخاب شدن داشته باشند، صورت گرفته است. ابزار اندازه گیری تحقیق، به جز منابع کتابخانه ای از قبیل کتب، فصلنامه، مجلات و پایان نامه، از پرسشنامه خود ساخته شده، به صورت ۵ گزینه ای لیکرت تنظیم گردیده است که آلفای گزارش شده برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ گزارش شد. که محقق براساس پرسشنامه مکتوبیان و همکاران تهیه کرده است. روش تجزیه و تحلیل داده ها به دو صورت توصیفی و تحلیلی و در قالب آماره «تی» و «ضریب همبستگی» استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهند که اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی و تربیت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه تأثیر مستقیم داشته و اخلاص در آموزه های دینی والدین با تربیت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه آنها رابطه معناداری دارد.

واژگان کلیدی: تربیت اسلامی، نهج البلاغه، اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی،

اخلاص در آموزه های دینی والدین، ساده زیست بودن والدین، امام علی (ع)

مقوله تربیت از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است و نه تنها تربیت لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی که متن آن بوده و بلکه زندگی، از گهواره تا گورش جلوه‌ای از آن است. انسان تنهادر پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمانهای خود دست یازیده و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌نماید و از این رهگذر برای انسان مسلمان تربیت اسلامی ضرورتی مضاعف دارد زیرا انسانی که گردنبد مروارید دانه دین و بندگی خالق متعال را بر گردن آویخته جز در پرتو تربیت صحیح اسلامی به مدال افتخار عبودیت و تسلیم نائل نمی‌آید، از سویی دیگر چنین انسان مسلمانی برای پیمودن راه سعادت و بندگی احتیاج به الگوهای مطمئن عملی دارد تا با نصب العین قرارداد دیدگاهها و سیره عملی آنان، هم راه صحیح بندگی و سعادت را بییابد و هم در این وادی سریعتر گام نهد و سریعتر به مقصد نایل آید، از این رو معصومین (علیهم السلام) که از گوهر عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه برخوردارند. بهترین و مطمئن‌ترین الگوهای تربیتی بوده و ارائه دیدگاهها و کشف و عرضه سیره تربیتی آنان یک ضرورت انکارناپذیر برای پویندگان عرصه تعلیم و تربیت اسلامی است و در این میان، ارائه دیدگاهها و سیره تربیتی امام علی (ع) که خود «اب الائم» و سرسلسله جانشینان به حق نبوی و سرآغاز تجلیگاه امامت معصومین (علیهم السلام) و نخستین تشکیل دهنده حکومت اسلامی علوی است. بر ضرورت این کار می‌افزاید. امام علی (ع) آینه تمام‌نمای ذات الهی و تجلی‌عالی‌ترین مراتب معرفت، حکمت و هدایت است. برای شناخت و پیروی از اندیشه ژرف، روشنی‌بخش، انسان‌ساز و هدایت‌گر علی (ع)، مطالعه نصایح و سخنان آن حضرت یک ضرورت است و این یک حقیقت ابدی است که سخن عالی، سخن علی (ع) است. اما در این راستا پرداختن به امر تعلیم و تربیت آن هم از منظر علی (ع) در این برهه از زمان یک نیاز حتمی برای انسان‌هاست هرچند که طراحی نظام صحیح و جامعی برای تعلیم و تربیت انسان تنها از ناحیه وحی ممکن خواهد بود و حتی در قرآن کریم، بارها و بارها هم به آن اشاره شده است آن جا که در پنج آیه اول نازل شده بر

پیامبر اکرم (ص) آمده است که «الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم؛ همان کسی که به وسیله قلم آموخت آنچه را که انسان نمی‌دانست (به تدریج به او) آموخت.» می‌بینیم که تعلیم و تربیت، اساس و بنیادی است که قوام و پایداری دین و آیین بر روی آن استوار است که نه فقط قرآن کریم بلکه مولا علی (ع) به عنوان ترجمان و مبین قرآن، هم او که اعلم به وحی و سنت و سیره نبوی و اسبق به ایمان و اقرب به پیامبر اکرم (ص) است بارها بر آن تأکید کرده است؛ تربیت به مفهوم عام آن، شامل جنبه‌های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است و هر یک از این ابعاد به لحاظ روانشناختی و تربیتی در زندگی انسان اهمیت فراوان دارد. مطالعه نهج البلاغه و زندگی حضرت علی (ع) این حقیقت را آشکار می‌سازد که تربیت در دو معنای عام و خاص در رفتار و گفتار این شخصیت الهی متبلور و منعکس است. امام علی (ع) در این باره فرمود: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ اِمَامًا فَلْيَبْدَا بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَادِيْبُهُ بِسِيْرَتِهِ قَبْلَ تَادِيْبِهِ وَ مَعِيْمٌ وَ مُؤَدَّبٌهَا اِحْقًا بِالْاَجْلَالِ مِنْ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدَّبِيْهِمْ؛ کسی که خود را در مقام پیشوایی و امامت قرار می‌دهد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد به تعلیم خویش پردازد و باید تأدیب او به عملش پیش از تأدیب او به زبانش باشد و کسی که معلم و ادب‌کننده خویش است، به احترام سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی دیگران است.» تحقق هدف آفرینش انسان، تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است؛ به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرد و پیامبرانی را با براهین روشن و احکام و قوانین متین برانگیخت و رسالت سنگین تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد. از این رو، تعلیم و تربیت مهم‌ترین بخش تعلیمات و معارف ادیان آسمانی، به ویژه اسلام را تشکیل می‌دهد (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷، ۲۴). انسان تنها در پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدف‌مند و اندیشمند به اهداف و آرمان‌های خود دست یافته و قلّه رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌نماید؛ از این رهگذر برای انسان مسلمان، تربیت اسلامی ضرورتی مضاعف دارد؛ زیرا وقتی انسان گردنبد مرواریدی که دانه‌های آن دین و بندگی خالق متعال است را برگردن آویخته، جز در پرتو تربیت صحیح اسلامی به مدال افتخار عبودیت و تسلیم نائل نمی‌آید. خانواده، نهادی مهم، کلیدی و کانون

رشد و آرامش بشری است که بر اساس طبیعت و فطرت الهی و نیازهای جسمی و روحی تشکیل می‌شود و انسان راه کمال خود را از این طریق می‌پیماید. خانواده، نهاد قدرت‌مند تربیتی است که در آیات و روایات بر نقش تربیتی آن تأکید فراوان شده است و استحکام و نقش‌آفرینی آن، برای رفع دغدغه‌های والدین، اجتناب‌ناپذیر است (حاجی بابایی، ۱۳۹۱، ۳). در این میان، نقش والدین در رتبه نخست اهمیت قرار دارد و آنها باید تلاش کنند تا متریبی از سر شوق و اشتیاق به تجارب درونی دست یابد، به نحوی که بتواند فطرت خداجوی خود را کشف و تجربه دینی را به طور حضوری شهود نماید. پس والدین به عنوان الگوهای اصلی و بی‌بدیل زندگی کودک، می‌توانند احساسات، علایق، ویژگی‌های مثبت اخلاقی و ارزش‌های دینی را به او منتقل کنند. در بیان اهمیت موضوع همین کافی است که امام محمد غزالی می‌گوید: «کودک امانتی است در دست پدر و مادر که هرچه در آن کشت کنی همان را درو خواهی کرد». عمده تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که تربیت دینی توسط خانواده‌ها نقش اساسی در سلامت روان و سازگاری اجتماعی فرزندان دارند. همچنین پژوهش‌ها مؤید این مطلب هستند که مذهب می‌تواند خویش‌داری که عنصر اساسی در تربیت است را افزایش دهد و در این میان خانواده و به‌ویژه والدین می‌توانند به‌عنوان اصلی‌ترین و اساسی‌ترین عنصر تربیت دینی تلقی شوند. با این تعابیر، هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش الگوی تربیتی والدین با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه است و در این رهگذر چهار فرضیه اساسی مطرح و به دنبال پاسخ‌گویی به آنها خواهیم بود. در این راستا فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

۱. بین اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین اخلاص در آموزه‌های دینی والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین ساده‌زیست بودن والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین سطح سواد والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رابطه معناداری وجود دارد.

بخش اول: مبانی نظری پژوهش

بند اول: تربیت

متفکرین و دانشمندان علوم تربیتی برای تربیت تعریف‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. به نظر می‌رسد دلیل این اختلاف‌ها مبانی و یا اصول و اهداف آن‌ها باشد. بهترین تعریف تعریفی است که دارای جامعیت و مانعیت باشد. برخی گفته‌اند دلیل این اختلاف‌ها این است که، هر کس از تربیت آن‌گونه که مایل به فهم آن است دفاع می‌کند و تعریفش از تربیت نیز مسبوق به چنین تمایلی است بعضی از متفکرین نیز ناامید از تعریف تربیت شده‌اند. اکثر تعاریف مطرح شده، تربیت را به معنای رشد طبیعی و تدریجی و به فعلیت رساندن استعدادهای مترقی دانسته‌اند. مشکل عمده این تعاریف، عدم جامعیت لازم و عدم توجه به اهداف تربیتی است. به نظر ما بهترین تعریفی که برای تربیت شده است و دارای جامعیت لازم است این تعریف می‌باشد: تربیت در اصطلاح به معنی برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمامی استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان به منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب. در این تعریف، اشاره به تربیت‌پذیری و تربیت ویژه (مقصود انسان) و هدف از تربیت (کمال و سعادت) و برنامه تربیتی شده است.

بند دوم: مسئله تربیت

مباحث تربیتی یکی از بنیادی‌ترین مباحث، علوم انسانی، و یکی از ارزنده‌ترین مباحث اجتماعی، سیاسی است. که با بسیاری از مباحث دیگر رشته‌های علوم ضروری، ارتباط

تنگاتنگ دارد، و در اخلاق سازندگی، خود سازی و جامعه سازی، گاهی به عنوان پایه های اساسی، و زمانی به عنوان نتیجه و ره آوردها، این قبیل از مباحث ارزشمند انسانی، اجتماعی مورد ارزیابی قرار می گیرد. و بدیهی است که؛ سعادت فرد و جامعه، تکامل و ترقی انسان ها و خانواده ها، پیشرفت یا عقب ماندگی جوامع بشری، سلامت جسم و جان بشریت تشنه آزادی، همه و همه به «مباحث تربیتی» و «مسئله تربیت» مربوط می شود. اگر انسان ها، مباحث تربیتی را بدرستی بشناسند، و هدفداری آن را بدانند، و با روش های صحیح تربیت آشنائی پیدا کنند و سپس خود را و خانواده خود او و جامعه را تربیت کنند، اصلاح نمایند و به سوی خوبی ها و ارزش های اخلاقی سوق دهند، همواره به سوی تکامل و ترقی و استقلال در حرکتند و عقب ماندگی و شکست و ذلت و خواری و مفساد اخلاقی و اجتماعی دامنگیرشان نخواهد شد که از نظر قرآن کریم و نهج البلاغه، هدف اساسی همه انبیاء و پیامبران الهی تحقق این آرمان ارزنده الهی، بشری است. و می دانیم که: مکتب اسلام کاملترین مکتب تربیتی است. و دستورات و قواعد و روش های تربیتی آن از چشمه سار همیشه جاری وحی الهی گرفته شده و با رهنمودهای مداوم امامان معصوم (ع) در تئوری و عمل لباس حقیقت پوشیده است.

اول- امکان تربیت: از دیدگاه نهج البلاغه، تربیت ممکن، و روش های تربیتی مشخص و روشن است و بهترین روش های مقابله با موانع و آفات تربیت نیز بدرستی مورد ارزیابی قرار گرفته است، که فرمود: *فَنَفْسُكَ نَفْسُكَ! فَقَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكَ سَبِيلَكَ، وَحَيْثُ تَنَاهَتْ بِكَ أُمُورُكَ، زَنَهَارًا! زَنَهَارًا! در تربیت و سازندگی خویشتن تلاش کن زیرا که خداوند، راهی را که باید بروی، برای تو روشن ساخته است و آینده رفتن تو را مشخص و تبیین فرموده است.* سپس امیدواری می دهد که اگر از راه روشن الهی بروید و در تربیت خود و دیگران بکوشید حتماً پیروز شده و به سرچشمه سعادت خواهید رسید. *أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ سَلَكَ الطَّرِيقَ الواضِحَ وَرَدَّ المَاءَ وَ مَنْ خَالَفَ وَقَعَ فِي التَّيِّهِ!* «ای مردم، آن کس که از راه آشکار و جاده حق ره سپارد به آب می رسد و کسی را مخالفت کند در حیرت و سرگردانی قرار خواهد گرفت».

و آنگاه به ضرورت تربیت و خودسازی اشاره می کند که: «أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا، وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوِهِ عَادَاتِهَا». (ای مردم، خودتان عهده دار تربیت نفس خویش باشید و نفس را از کشیده شدن به طرف هوس ها و عادت ناروا باز دارید.) (شرح نهج البلاغه ج ۱۶، ص ۶):

دوم- تربیت پذیری انسان: تربیت یکی از ارزشمندترین واقعیت نظام هستی است که در همه چیز قابل پیاده شدن و ثمره دادن می باشد. نه تنها انسان را می شود تربیت کرد و در خودسازی و جامعه سازی موفق شد، بلکه حیوانات و نباتات را نیز می شود تربیت کرده و با روش های تربیتی به سوی ارزش ها سوق داد. گرچه موجودات حیاتی همه تربیت پذیرند، اما تربیت پذیری انسان از ویژگی های خاصی برخوردار است، انسان با برخورداری از عقل و تدبیر و عواطف انسانی، تربیت پذیرتر از دیگر موجودات نظام آفرینش می باشد که امام علی (ع) می فرماید: «و لا تكونن ممن لا تنفعه العظة إلا إذا بلغت في إيلامه فإن العاقل يتعظ بالأدب، و البهائم لا تتعظ إلا بالضرب». (از کسانی مباش که پند و اندرز به آنها سودی نمی بخشد مگر آنکه سخت در توبیخ آنها مبالغه شود، زیرا انسان های عاقل با برخورداری از عقل با اندرز و آداب پند پذیرند، اما چهار پایان با زدن.) (شرح ابن میثم ج ۴، ص ۴۴۸)

سوم - ارزش تربیت: پس از آنکه دانستیم تربیت ممکن است، و انسان تربیت پذیر می باشد. و در امور تربیتی باید عجله و شتاب کرد، حال، توجه به ارزش های تربیت و خودسازی ضروری است، که امام علی (ع) فرمود: «العلم وراثته كريمه و الادب حلاله مجدده و الفكر مرآة صافية». «علم، میراث گران بهائی است و تربیت و آداب ارزشمند اخلاقی، لباس فاخر و زینتی است.» و در کلامی نورانی، جلوه ارزشمند دیگری از تربیت را اینگونه مطرح می فرماید که: «لا غنى كالعقل؛ و لا فقر كالجهل و لا ميراث كالادب و لا ظهير كالمشاورة». «هیچ ثروتی چون عقل نیست و هیچ فقری چون جهل نمی باشد و هیچ میراثی چون ادب و تربیت نخواهد بود.»

چهارم - هدفداری تربیت: امکان تربیت و ضرورت خودسازی و باز پروری جامعه را بسیاری از مکتب ها پذیرفته اند و مباحث پیرامون آن را قبول داشته و با اسلام و دیگر مکاتب تربیتی،

الهی، اعلان هماهنگی می‌کنند. آنچه که اسلام را در برابر مکاتب تربیتی ممتاز جلوه می‌دهد «هدفداری انسان» و «هدفداری تربیت» است.

پنجم - شناخت عوامل تربیت: پس از آشنائی با مباحث مقدماتی مسئله تربیت، باید عوامل تربیتی را شناخت و آنها را تقویت و به سوی آنها جذب شد، که نقش تعیین کننده در تربیت و سازندگی فرد و جامعه دارد. در این قسمت از بحث به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. نقش پدر و مادر: آموزشگاه آغازین هر فردی، خانه و خانواده می‌باشد، زندگی خانوادگی، نقش مهمی در خود سازی و بازسازی دل‌ها دارد، که پدر و مادر و دیگر افراد خانواده هم می‌توانند مربی لایق و موفق فرزندان باشند، و هم عامل اساسی انحراف و آلودگی‌های فکری کودکان گردند، که در این رابطه امام علی (ع) می‌فرماید: *وَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ، وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ.* «و حق فرزند بر پدر آن است که برای کودک نام نیک انتخاب کند و او را خوب تربیت نماید و قرآن تعلیمش دهد». و سپس به تأثیر روابط اجتماعی پدران و فرزندان اشاره می‌فرماید که: *مُودَةُ الْآبَاءِ قَرَابَةُ بَيْنَ الْإِبْنَاءِ...* «دوستی میان پدران سبب خویشاوندی میان فرزندان است.»

۲. نقش خانواده: خانواده، یکی از عوامل تربیتی است. که فرزندان و کودکان از اعضاء خانواده الگو می‌گیرند و رنگ می‌پذیرند. از این رو امام علی (ع) سفارش می‌کند که با خانواده‌های خوب و صالح، روابط دوستانه برقرار کنید. امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: *ثُمَّ الصِّقْ بِذَوِي الْمَرْوَاتِ وَالْإِئْتِاقِ حَسَابٍ وَ أَهْلِ الثِّيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ السَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ...* «روابط خود را با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه برقرار ساز.»

آنگاه بهترین خانواده‌ی نمونه را معرفی می‌کند. «خانواده رسول خدا (ص) که فرمود: وعندنا أهل البيت أبواب الحكم وضيأء الاءمر...» درهای دانش و روشنائی امور نزد ما (اهل بیت) خانواده‌ی رسول خدا (ص) است.»

۳. استاد و آموزگار: امام علی (ع) با توجه به نقش ارزنده آموزگار و دانشمندان علوم ضروری و تأثیر چشمگیر جلسات علمی، به مالک اشتر فرمود: وأكثرِ مدارسَ العلماءِ ومناقشة الحكماءِ فی تثبیتِ ما صلحَ علیه أمرَ بلادِك...» در جلسات درس دانشمندان و اساتید زیاد به گفتگو بنشین و با حکماء و اندیشمندان نیز بسیار به بحث و بررسی پرداز که وضع کشور را اصلاح می‌کند.

۴. جامعه و محیط زندگی یکی از عوامل تربیت «جامعه» و «محیط زندگی»، انسان است که در انتخاب مکان زندگی و «محیط اجتماعی» باید دقت لازم را به عمل آورد. امام علی (ع) برای انتخاب جامعه‌ی خوب می‌فرماید واسکن الأمصار العظام فانها جماع المسلمین، واحذر منازل الغفله والجفاء وقله الأعوان علی طاعه الله...» در شهرهای بزرگی که مرکز اجتماع مسلمانان است مسکن‌گزین و از محیط و جامعه‌هایی که اهل غفلت و ستم‌کاری در آنجا هستند و باران مطیع خدا در آنجاها کمتر یافت می‌شوند بپرهیز. آنگاه با توجه به نقش عوامل جغرافیایی جامعه و محیط زندگی در روحيات انسان به مردم بصره می‌فرماید: بلادکم اثنان بلاد الله تربة: أقربها من الماء، وأبعدها من السماء...» سرزمین شما متعفن‌ترین خاکهاست از همه جا به آب نزدیک تر است و از آسمان دورترند.»

۵. دوستان: امام علی (ع) در رابطه با نقش تربیتی بسیار حساس «دوستان» در یکدیگر می‌فرماید: وامحضض أخاک النصيحة، حسنه كانت أو قبيحة...» همیشه نصیحت خالصانه‌ات را برای دوست خود آماده‌ساز، شیرین و نیکو باشد یا تلخ و ناراحت‌کننده.» و آنگاه هشدار می‌دهد که با این افراد دوست نباش و از آنها دوری کن،

مانند: ایاک و المصادقه الاءَ حمقِ فَأَنَّهُ أَن يَنفَكَ فَيَضُرَّكَ...» بر حذر باش از دوستی با احمق، که می خواهد به تو منفعت کند، اما زیان می رساند.»

و برای دوری از انسان ها بخیل و مال پرست می فرماید: ایاک و مُصَادَقَةُ الْبَخِيلِ فَأَنَّهُ يَتَعَدَّ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ...» از دوستی با بخیل پرهیز زیرا به هنگام شدتترین حاجت و نیازمندی تو را ترک می گوید.». و نسبت به ضرورت «دافعه» در طرد انسان های فاسد رهنمود می دهد که: وایاک و مُصَادَقَةُ الْفَاجِرِ فَأَنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّاقَةِ...» بر حذر باش از دوستی با انسان فاسد و جنایتکار که تو را به چیز کمی می فروشد.»

و برای دفع دروغ گویان می فرماید: ایاک و مُصَادَقَةُ الْكُذَّابِ فَأَنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ و يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ...» بر حذر باش از دوستی با دروغگو، چرا که او مانند سراب است، دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد.»

و آنگاه پس از معرفی الگوهای دروغین دوستی، معیار انتخاب دوستان صالح را بیان می فرماید: قارن أهل الخیرِ تَکُنْ مِنْهُمْ، وَبَیْنَ أَهْلِ الشَّرِّ تَبَنِّ عَنْهُمْ...» به نیکوکاران نزدیک باش که از آنان خواهی شد و از اهل شر و بدی دوری کن تا از آنها برکنار باشی.»

۶. علماء و نصیحت کنندگان جامعه: علماء و دانشمندان متعهد، انسان های پاک و دلسوزی هستند که در برابر کجی ها و زشتی نمی توانند بی تفاوت بمانند. و چون پدر مهربان و دوستی خیرخواه، لب به پند و اندرز می گشایند، از این رو از عوامل مهم تربیت به شمار می آیند که باید به آنان احترام گذاشت و گوش دل به سخنانشان سپرد. در غیر این صورت تلخی ها و پشیمانی ها در انتظار ما خواهد بود. فَانْ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمَجْرَبِ تُورِثُ الْحَسْرَةَ، وَتُعَقِبُ النَّدَامَةَ...» نافرمانی از دستور نصیحت کننده ی مهربان، استاد دانا و با تجربه، باعث پشیمانی و اندوه ناگوار خواهد شد.»

۷. حکومت و رهبری: حاکم اسلامی و رهبر جامعه، هم مسئولیت تربیت فرد و جامعه را دارد. و هم به عنوان یکی از الگوهای تربیت مطرح است، همه به او نظر دوخته اند و از دستورات و فرامین رهبر اطاعت می کنند. که امام علی (ع) فرمود: فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَىٰ فَالْنَّصِيحَةَ لَكُمْ... وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْلًا تَعْلَمُوا... «شما مردم را بر من حاکم اسلامی حقی است اما حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و شما را تعلیم دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و شما را تربیت کنم تا فراگیرید و تربیت شوید. و هشدار می دهد که نگذارند رهبری جامعه به دست نالایقان و نااهلان قرار گیرد، که فرد و جامعه را به تباهی و نابودی می کشانند و خود به این بیداری و مسئولیت، سخت پایبند است. که فرمود: وَلَكِنِّي آسَىٰ أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَقُبْحَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ ذُلُولًا، وَعِبَادَةَ خَوْلًا... «ولی من از این اندوهناکم که سرپرستی حکومت امت به دست بی خردان و نابکاران افتد که بیت المال را غارت کنند و آزادی بندگان خدا را سلب نمایند و آنها را برده ی خود سازند.

۸. الگوهای موفق تربیت: در پیرامون الگوهای موفق بحث بسیار ارزنده ای در نهج البلاغه موجود است که در این قسمت از بحث؛ پیامبران خدا، و رسول گرامی اسلام. و اصحاب و یاران آن بزرگ پیامبر، و سیمای پرهیزگاران، و امامان معصوم (ع) را معرفی می کند. نسبت به اطاعت و پیروی از پیامبران الهی و نقش تربیتی آن می فرماید: وَلَكِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ الْآتِبَاعُ لِرُسُلِهِ وَالتَّصَدِيقُ بِكُتُبِهِ... خداوند اراده کرده است که پیروی مردم از پیامبرانش باشد و کتابهای آنان را تصدیق کنند و به دستورات آنها گوش فرا دهند. (اصول کافی ج ۲ ص ۴۴۳)

و نقش تربیتی رسول خدا را اینگونه شرح می دهد: وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (ص) كَافٍ لَكُمْ فِي الْأَسْوَةِ، وَ دَلِيلٌ لَكُمْ عَلَىٰ ذَمِّ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا، وَ كَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَ مَسَاوِيهَا... «کافی است که روش زندگی رسول خدا را سرمشق خویش قرار دهی و او بهترین راهنما و سرمشق تو در بی ارزش

نشان دادن دنیا و رسوائی ها و بدی های آن می باشد.» و آنگاه به امامان معصوم و اهل بیت رسول خدا(ص) می پردازد و می فرماید: انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم، واتبعوا اثرهم، فلن یُخرجوکم من هدی، ولن یعیذوکم فی ردی..» به اهل بیت پیامبر بنگرید، از آن سمت که آنها گام برمی دارند منحرف نشوید و قدم به جای قدمشان بگذارید آنها هرگز شما را از جاده ی هدایت بیرون نمی برند و به پستی و هلاکت باز نمی گردانند.»

۹. قرآن و تعالیم انسان ساز آن: یکی از عوامل ارزنده تربیتی برای جوامع اسلامی و برای دنیای تشنه ی حقیقت و سعادت، قرآن کریم است که نقش تربیتی آن در نهج البلاغه فراوان مطرح شده است. که امام علی (ع) فرمود: «أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُغْشُ، وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ...» این قرآن بند دهنده ای است که انسان را نمی فریبد، و هدایت کننده ای است که گمراه نمی کند.

۱۰. همسایه و همسایگان: بدون روابط با همسایگان نمی شود به زندگی اجتماعی تداوم بخشید، همسایگان نه تنها حقوق الهی، انسانی فراوانی بر یکدیگر دارند بلکه از نظر تربیتی، به عنوان یکی از عوامل اجتماعی تربیت بحساب می آیند که باید در خریدن منزل و انتخاب همسایگان دقت لازم را بعمل آورد. که امیرالمومنین (ع) فرمود: «سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ...» قبل از حرکت برای سفر درباره ی هم سفر و پیش از خریدن منزل درباره ی همسایه ات، سؤال و تحقیق کن.»

۱۱. تبلیغات: یکی دیگر از عوامل تربیت و معرفی ارزش ها و نیروی باز دارنده از زشتی ها، تبلیغات اسلامی است که گاهی به شکل وعظ و خطابه یا نصیحت و اندرز، و زمانی با عنوان «امر به معروف» و «نهی از منکر» در جامعه ی اسلامی مطرح می شود، اگر همه ی افراد جامعه به این عامل حساس اجتماعی توجه کنند، تربیت فرد و جامعه تحقق می پذیرد. لا تترکوا الأمرَ بالمعروفِ والنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ. «امر به

معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار و فاسدان بر شما مسلط می گردند، سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی گردد.»

بخش دوم: بررسی و شناخت تربیت از دیدگاه نهج البلاغه

پیش از ورود به بحث، نقاطی از اندیشه‌های تربیتی امام علی (علیه السلام) به اختصار ذکر می شود. در نهج البلاغه آمده است: تو در نخستین مرحله آفرینش نادان بودی؛ پس از گذشتن از مرحله‌ای، دانا شدی. و چه بسیار است مطالبی که حکمت و مصلحت آن را نمی دانی، اندیشه‌ات در آن حیران است و بینش تو در آن گم و غافل! و پس از گذشت مراحل، درباره آنها آگاهی و بصیرت پیدا می کنی. براساس این خطبه، تعلیم و تربیت یعنی شکل یافتن انسان برای محیط زندگی و بهره‌مندی مستمر از گنجینه‌های نبوغ که در درون عقل‌های زنده و بیدار نهفته است (ادیب، ۱۳۶۲: ۹۱ - ۹۰). بدین ترتیب، امام علی (علیه السلام) مقصود خود را از ماهیت تربیت و نیز هدف‌های تربیت و طبیعت آن روشن ساخته است و تربیت را در مفهوم ایمان به اصل شکل‌پذیری انسان عاقل از یک طرف و آماده‌ساختن محیط تربیتی برای دانش‌آموز از طرف دیگر خلاصه می کند. از خلال تحلیل‌هایی که علما و دانشمندان از اندیشه‌های امام علی (علیه السلام) انجام داده‌اند، معلوم می شود که آن حضرت طبیعت بشری و هستی ذاتی و مستقل آن را چگونه معرفی کرد. اول اندیشید که طبیعت بشری مجموعه متضادی از محرک‌ها و انگیزه‌های مختلف رفتاری است که انسان را وامی دارد در برابر آن موضعی اختیاری و ارادی بگیرد و بکوشد که این طبیعت بشری را از ساده بودن و سطحی بودن پاک و مبرا کند تا این طبیعت، هدف‌دار و معنادار شود و رسالت خود را به انجام برساند، مفهوم و محتوای آن با عمل جدی در زندگی و اجتماع تحقق پیدا کند، و نیروها و استعداد‌های فکری را برای تحکیم این طبیعت بشری و وادار ساختن آن به مرحله عمل و میدان فعالیت بسیج کند. امام (علیه السلام) در این باره به ما می فهماند که چگونه به بی طرف بودن این انسان و قابلیت رشد و شکل‌گیری و تحول او ایمان دارد؛ و فراموش نکرده است که اگر انسان در رفتارها و اعمالش بدعمل کند یا از مسیر منحرف شود، او را با وعده و هشدار و حساب

آخرت بیدار و آگاه سازد. زیرا امام (علیه السلام) به قدرت اندیشه فعال و پرجوش انسان و امکاناتش در پرواز به فضاهاى اجتهاد و ابتکار ایمان و اعتقاد پیدا کرده است و بنابراین مى‌خواهد که انسان همه نیروها و امکاناتش و نیز تمامی عواملی را که برای خیر و صلاح اجتماع و جامعه انسانیت و سعادت خود لازم است، به کار گیرد (همان، ص ۲۰۰ - ۱۹۹). امام علی (علیه السلام) در باب دیگر تربیت، به خودسازی و شکل‌پذیری در این جهان هستی به‌مثابه یک قانون اصیل طبیعی تکیه می‌کند و معتقد است که خودسازی و شکل‌پذیری، ناموسی از نوامیس بقای اصلح در میان رسالت‌ها و امت‌هاست؛ بنابراین، رسالتی که همدوش با روح عصر و همگام با کاروان زمان حرکت می‌کند، در مراقبت و حفظ کیان و موجودیت خود قدرت دارد (همان، ص ۱۰۵). اجتماعى که روحش از چنین رسالتی کمک می‌گیرد، مطمئناً به‌طرف عالی‌ترین نقطه مجد و شرف گام برمی‌دارد؛ و باید گفت آنچه بر این رسالت و بر این اجتماع منطبق می‌شود، بر افراد هم منطبق می‌شود. بنابراین، انسانی که می‌تواند روح خود را مطابق با هدف‌های زندگی بسازد و شکل دهد و با روح این رسالت زنده همگامی کند، زندگی برای او در سایه عزت محقق خواهد شد و او عضوی مؤثر و عاملی سودمند در اجتماع خویش خواهد بود و از همین جا است که اهمیت تربیت در تکوین و تکامل و شکل‌گیری فرد برای یک زندگی باعزت و ارزشمند کاملاً آشکار می‌شود و پی‌می‌بریم که کار تربیت، عمل خودسازی بین فرد و محیط او را به‌آسانی فراهم می‌سازد. در زاویه دیگر از اندیشه‌های تربیتی امام علی (ع)، «اندیشیدن»، ضرورتی تربیتی است. امیرمؤمنان (علیه السلام) علم را با همه رفعت مقامش براساس تفکر بنا نهاده است. روش تفکر در نظر امام (علیه السلام) دیدن و جمع کردن مطالب و نتیجه‌گیری و عبرت از نتایج تحقیق و بررسی و خلاصه و دقیق‌شدن در اعمال و آفریده‌های الهی است. امام (علیه السلام) خواهان آن است که این روش در میان مردم رایج شود تا حجاب‌های جهل و ظلمت از میانشان برخیزد و معرفت و ادراک در جامعه انسانی داخل شود: از فکر کردن، نور و هدایت پدید می‌آید و از غفلت، تاریکی و گمراهی. ای فرزندم! بهترین مطلب که تو از وصیت من فرا می‌گیری، تقوا و پرهیزکاری است و... نیز وصیت من تو را بر آن می‌دارد... که آنچه پدران پیشین تو و خویشاوندان صالح تو بر آن بوده و با آن زندگی

کرده‌اند، فراگیری... اگر نفس تو آنچه خویشان صالحت عمل می‌کردند، نپذیرفت و علم و آگاهی آنها را نیافت، لاقلاً طالب آن باش که خودت در امور خویش تحصیل و فهم و دانایی کنی! امام علی (ع)، با این بیان قانون اندیشه کردن و روش تفکر را ضمن تأیید و تحکیم اصل اعتقاد، برای فرزندش و نیز برای نسل‌های بعدی کاملاً مشخص و در این باب، بر همان روش قرآن در اتکا به عقل و منطق جهت پایدارساختن اعتقاد و دین تأکید کرده است (همان، ص ۱۸۱ - ۱۷۹). همین وصیت برای تعریف تربیت از نظر امام (علیه السلام) کافی است؛ و آن امام (علیه السلام) همین روش تربیت را برای خود و پیروان خود پسندیده است.

بخش سوم: ویژگی‌های نظام تربیتی در نهج‌البلاغه

مهم‌ترین ویژگی‌های نظام تربیتی از دیدگاه نهج‌البلاغه تحت چهار عنوان جنبه هدایتی، جنبه اجتماعی، جنبه عقلانی و جنبه معنوی آن قابل بحث است. اگرچه جنبه هدایتی این نظام در واقع تعیین‌کننده خط‌مشی جوانب دیگر آن است و اساس نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از نظر فلسفی و عقیدتی تشکیل می‌دهد، جنبه‌های دیگر نیز ویژگی‌های خاصی دارند که به اختصار درباره آنها بحث می‌شود.

جنبه هدایتی: مهم‌ترین جنبه نظام تربیتی در نهج‌البلاغه را جنبه هدایت انسان در حرکت، در مسیر حق، در طول زندگی او در این جهان تشکیل می‌دهد. کلیه اعمال و حرکات انسان و اندیشه‌های او در مورد خویشتن و دیگران در تمامی موارد و موفقیت‌های زندگی تحت الشعاع مسئله حق‌جویی و حق‌گویی، تفکر منطبق با حقیقت و عمل حق‌طلبانه قرار دارد. محبوب‌ترین بندگان نزد خدا باید واجد صفات ذکر شده باشند و در این مسیر از سنت پیامبران و آنچه در کتاب‌های مقدس آمده است، پیروی کنند. عوامل هدایت انسان در تربیت او، همه نکته‌ها و اندرزهایی است که امام (علیه السلام) آنها را تحت عنوان تأیید حق و ترضیح باطل مطرح کرده‌اند. در مقابل نپذیرفتن حق و عدم هدایت، گمراهی و جهالت قرار دارد: «آن کس که هدایت راهنمایش شود، گمراهی او را به هلاکت نمی‌کشاند». انسان با پیروی از حق، و به یاری

دانش و حکمت، آگاهی‌های لازم را برای هدایت‌جویی می‌یابد و قادر می‌شود اعمال خود را منطبق با اندیشه‌های اصلاح‌شده خود در جهت منافع خویش و جامعه تنظیم کند. تجلی حق در سه ستون علم، ایمان و اتحاد منعکس است و قرآن کریم گواه این بیان است. درباره جنبه هدایتی در نظام تربیتی، در خطبه ۱۶ چنین تصریح شده است: «انحراف به راست و چپ، گمراهی و ضلالت است. راه مستقیم و میانه، جاده وسیع حق است. به این راه در قرآن و آثار نبوت و نیز سنت پیامبر (ص) توصیه شده؛ و سرانجام، همین جاده، مقیاس کردار همگان است و راه همه باید به آن منتهی شود». یا در خطبه ۱۳۳ آمده است: «این کتاب خدا است که با آن می‌توانید حقایق را ببینید، با آن سخن بگویید و با آن بشنوید». جنبه هدایتی این نظام تربیتی، آماده‌سازی انسان را برای شناسایی حق و مبارزه علیه باطل ایجاب می‌کند؛ چنان‌که امام (علیه السلام) در خطبه ۲۴ می‌فرماید: «به جان خودم سوگند که در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی غوطه‌ورند، آنی سستی و مدارا نمی‌کنم!». مبارزه در راه حق، مستلزم آگاهی از طریق هدایت است؛ و از سوی دیگر باید با تکیه بر اتحاد و ایمان به حقانیت، مبارزه صورت پذیرد. زیرا «حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی‌آید» (خطبه ۲۹) این تلاش و کوشش زمینه‌ساز رشد حکمت و دانش و عامل باروری قوای جسمانی و روحانی و استعداد‌های بالقوه انسان است و موفقیت او را در زندگی دنیوی و کسب سعادت اخروی تضمین می‌کند. پیروی از حق او را از همه گمراهی‌ها و ارتکاب به منکرات باز می‌دارد و لذا توشه او در این جهان، پربار از اعمال نیک خواهد بود. پیروی از حق، انسان را به مسیر یقین و اجتناب از بدعت‌گذاری و ابداع شبهات وامی‌دارد و این امر با بصیرت و بینش انسان صورت می‌گیرد که طبعا باید با احکام و مفاد حکیمانه قرآن کریم هدایت شده باشد. آرامش واقعی انسان هدایت‌شده، در پیروی از حق است. روش تربیت با تکیه بر جنبه هدایتی چنین ذکر شده است:

از حق فرار نکنید! آگاه باشید که هیچ‌گاه راه حق را نخواهید شناخت مگر اینکه آنها را که آن را ترک گفته‌اند، بشناسید. این آگاهی‌ها را از اهلش بخواهید؛ زیرا آنها زندگی علم و مرگ جهل‌اند. آنهایند که حکمشان شما را از عملشان، سکوتشان شما را از منطقتان و ظاهرشان شما

را از باطنشان آگاهی می‌دهد. اینان نه با دین مخالفت می‌کنند و نه در آن اختلاف دارند؛ بنابراین، دین در میان آنان گواهی است صادق و ساکتی است راستگو. (خطبه ۱۴۷)

از آنجا که قرآن پایگاه هدایت است و اسلام ستونی است که خداوند آن را در اعماق حق استوار ساخته، جهت هدایت انسان، منطبق بر احکام دین بوده و او ملزم به رعایت اصول عبادتی اسلام است. هدایت انسان باید در ابعاد فکری و عملی او صورت گیرد.

تکیه بر اصل معاد، یکی دیگر از جنبه‌های آگاه‌سازی انسان برای هدایت او است. ایمان به حیات پس از مرگ، عامل کنترل‌کننده و جهت‌بخش اعمال و رفتار انسان در زندگی دنیوی او است که چنانچه به پیروی از حق باشد، سعادت اخروی در پی دارد و اگر در جهت باطل جریان یابد، بدبختی و مجازات را در جهان دیگر به دنبال خواهد داشت (خطبه ۲۱). برای مبنا انسان باید جهان دنیوی را فقط به عنوان مسیری برای انجام اعمال نیک دریابد و ارزش آن را قلیل و خود را فانی بداند. از این جهت، زندگی واقعی در مرگ پیروزمندانه انسان و مرگ واقعی در زندگی توأم با شکست است و اگر کسی با همه آگاهی خود از وضع رستاخیر مطلع باشد، خیانت نخواهد کرد. پس انسان را باید آگاه ساخت که دنیا را به بهای خویشتن نشناسد و درصدد کسب رضایت پروردگار خود برآید؛ به عبارت دیگر، از فرزندان این دنیا نباشد و این جهان را وسیله عمل و عمر خود را زمان عمل بداند که فردا وقت حساب است. جهان، وسیله آزمایش انسان است و انسانی که مسئولیت‌ها و وظایف خود را در طول عمر خویش بشناسد و از آنها آگاه باشد، این جهان را به منزله سایه‌ای خواهد انگاشت که هنوز گسترده نشده است، کوتاه می‌شود. به هر حال، آنچه در نهج‌البلاغه بکرات تأکید شده، این است که در جهان‌بینی اسلامی اگر دنیا و مواهب مادی این جهان وسیله باشند، موجب پیدایش بصیرت و بینایی انسانی و مردمی خواهند شد و اگر «هدف نهایی» را تشکیل دهند، موجب کوردلی و گمراهی هستند.

جنبه عقلانی: یکی از مهم‌ترین جنبه‌های نظام تربیتی از دیدگاه نهج‌البلاغه، تکیه بر عقل و استفاده از روش عقلانی در برخورد با امور است؛ چنان که یکی از وظایف پیامبران در قبال

مردم در طی مدت نبوتشان این بوده است که گنج‌های پنهانی عقل‌ها را آشکار سازند. استفاده از روش عقلانی با تکیه بر استدلال و دلیل و برهان در همه موارد به‌غیر از دریافت‌های الهی نظیر کاوش درباره آفرینش توصیه شده است؛ زیرا تفکر در باب آفرینش و وجود پروردگار با توجه به عظمت آن، عقل‌ها را متحیر می‌سازد و وسعت و دامنه آن برای تفکر غیرممکن است و نمی‌توان برای آنها مثالی فرض کرد و تشبیهی یافت. تکیه بر درک و فهم ناشی از بصیرت عقلانی برای انجام اعمال به‌دور از اشتباه و گمراهی، و استفاده از عقل به‌عنوان عامل کنترل هواهای نفسانی و عامل ایجادکننده صبر و بردباری، بکرات و در خطبه‌های متعدد مطرح شده است. در این زمینه، مستندترین کتاب برای بهره‌گیری روش عقلانی، قرآن کریم و سنت پیامبران توصیه شده است، چنان که امام (علیه السلام) در خطبه ۱۹۸ می‌فرمایند: «قرآن برهانی است برای کسی که به گفته‌هایش استدلال کند، شاهد و گواهی است برای آن که از آن سخن بگوید، و پیروزی و غلبه است برای افرادی که به آن استدلال کنند». به‌طور کلی شخص عاقل در نهج‌البلاغه بدین صورت توصیف شده است که با چشم قلبش پایان کار را می‌نگرد و پستی و بلندی‌های آن را تشخیص می‌دهد و با بینایی عمل می‌کند، بر شهوات و هوس‌های خود مسلط است، در راه تکامل گام برمی‌دارد، با اعتقاد به آخرت دنیا را نادیده می‌انگارد، در جهت رضایت پروردگار خویش عمل می‌کند، با حرکت در مسیر حق با روش اعتدال گام برمی‌دارد و از تجربیات خویش استفاده می‌کند و از مشاوره و پند و اندرز ابایی ندارد، کم‌سخن می‌گوید و اساس روابط اجتماعی خود را بر دوستی و محبت و عدالت پی‌ریزی می‌کند. و به‌طور کلی خط‌مشی زندگی شخص عاقل در نهج‌البلاغه بدین صورت خلاصه شده است: «برای شخص عاقل درست نیست که حرکتش جز در یکی از این سه جهت باشد: برای اصلاح امور زندگی یا در راه آخرت یا در لذت غیرحرام» (حکمت ۳۹).

جنبه معنوی: این جنبه از نظام تربیتی، در تربیت انسان با تقوا و مخلص، با ایمان راسخ به وحدانیت پروردگار و توانایی مطلق او در تسلط به زندگی موجودات و گرایش به طبیعت با اعتقاد به ترس از خدا و پیروی از واجبات او آشکار است؛ انسانی که در هر حال و در هر زمان

و در هر موقعیت، به یاد خدا زاهدانه زندگی می‌کند، پیوسته به او متوسل می‌شود، واز او هدایت می‌پذیرد به این اعتقاد که «او کفایت‌کننده ما و بهترین وکیل است» (خطبه ۱۸۲). امام (علیه السلام) در این باره در نهج‌البلاغه می‌فرماید: ستایش مخصوص خداوندی است که... از او استعانت می‌طلبیم؛ استعانت کسی که به فضل پروردگار امیدوار است، به سودش آرزومند، از زیان نرساندنش مطمئن، به قدرت او معترف، و به گفتار و کردار او معتقد است. (خطبه ۱۸۲) اخلاق، والاترین رتبه تقرب انسان به پروردگار خویش است؛ بنابراین، از لحاظ معنوی و روحی بر انسان واجب است که در مسیر عمل، گفتار و کردار مخلصانه گام نهد و عمل کند، زیرا محبوب‌ترین بنده نزد خداوند همانا مخلص‌ترین او است به‌ویژه اگر این اخلاص در گواهی انسان به وحدانیت و ایمان به خداوند یکتا باشد. چنان‌که امام (علیه السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: برترین وسیله که متوسلان می‌توانند با آن به سوی خدا تقرب جویند... کلمه «اخلاص» [شهادت به یگانگی خدا در رسالت پیامبر (ص) است که هماهنگ با سرشت بشر است. (خطبه ۱۱۰) و این مسیر مخلصانه عبارت است از اعتقاد به پیشبرد عدالت و پیروزی حق، شرکت در جهاد علیه باطل و برتری ایمان، بروز صبر و بردباری در برابر ناراحتی‌ها و کوشش پیگیر با دشمن و استقامت در برابر ملزمتی که از بعد معنوی باید هدف تربیت قرار گیرد.

جنبه اجتماعی: در نظام تربیتی اسلامی در تعلیم و تربیت انسان، بر هر دو بعد جمع‌گرایی و فردگرایی تأکید می‌شود. به همان‌سان که افراد تربیت‌شده پایه‌های یک جامعه سالم و مسلمان را پی‌ریزی می‌کنند، یک جامعه متکی بر روابط اجتماعی عادلانه و اسلامی، زمینه‌ساز موقعیت‌هایی است که هر یک به‌نوبه خود می‌توانند در تکوین مثبت شخصیت معنوی و اجتماعی فرد تأثیر به‌سزایی داشته باشد. بدین جهت، این بعد تربیتی با اهمیت خاصی متأثر از نظریات عقیدتی اسلام، در نهج‌البلاغه مطرح شده و امام علی (علیه السلام) هم به آن توجه داشته است. نظام روابط اجتماعی مبتنی بر انس و محبت، اتحاد و دوستی، عدالت و حق‌جویی، تواضع و فروتنی، نیکی و احسان، و عفو و بخشش، زمینه رشد ابعاد مختلف شخصیت انسان را

در جامعه اسلامی فراهم می‌سازد. استمرار روابط خویشاوندی و نیاز انسان به شرکت در این روابط، موضوعی است که در نهج‌البلاغه تأکید شده است:

ای مردم! انسان هر اندازه که ثروتمند باشد، از بستگان و اقوام خود بی‌نیاز نیست؛ که از وی با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان، بزرگ‌ترین گروهی هستند که از انسان پشتیبانی می‌کنند و پراکندگی و ناراحتی او را از بین می‌برند، و در آن هنگام که حادثه‌ای پیش آید، آنها به او پرعاطفه‌ترین مردم‌اند. (خطبه ۲۳) و در این نوع ارتباطات انسانی، عواملی نظیر طبقه اجتماعی، مال و ثروت، نژاد، و رنگ و دین نباید دخالت داشته باشد؛ چنان‌که پیامبر (ص) درباره انصار توصیه فرمود که «با نیکان آنها به نیکی رفتار کنید و از بدکاران آنها درگذرید!» (خطبه ۶۶). در نظر امام (ع)، اتحاد و برادری تحت عنوان «بیعت» مسلمین با رهبر خویش و در ارتباط با یکدیگر، ارزش والایی دارد؛ و وظیفه آحاد جامعه، پیروی و اطاعت از رهبری عادل، عاقل و حق‌طلب است که منافع مسلمین را بر هر چیزی مقدم می‌دارد. در خطبه ۲۰۵ آمده است: آنگاه که حکومت و زمامداری به من رسید، در کتاب خدا نظر انداختم، و از هر دستوری که داده و هر امری که فرموده است، متابعت کردم؛ و به سنت و روش پیامبر (ص) توجه و به آن اقتدا کردم. اتحاد به‌عنوان مهم‌ترین ثمرات بیعت در جهاد علیه ظلم و ستم اجتماعی و استقرار عدالت مطرح شده است. اتحاد، نطفه هر فتنه‌ای را در بطن خود خفه می‌کند و زمینه رشد را در اجتماع برای فرد فراهم می‌سازد. به‌طور کلی، نظام روابط اجتماعی بر حفظ حقوق همدیگر استوار است؛ چنان‌که در خطبه ۲۱۶ آمده است: برای شما لازم است که یکدیگر را بر ادای حقوق نصیحت و در انجام آن به‌خوبی همکاری کنید!

یکی دیگر از مسایل مهم در بعد اجتماعی تربیت از دیدگاه نهج‌البلاغه، پی‌ریزی جامعه‌ای متکی بر اخلاق اسلامی است که در آن انسان‌های باتقوا، زاهد، باایمان، عاقل و آگاه، متواضع و صادق و عادل تربیت شوند و بدینوسیله ثمرات چشمگیر تربیت اسلامی را مشخص سازند. از این دیدگاه، قابلیت تأثیرپذیری فرد از جمع و تشکل سازنده جمع از فرد و قابلیت تغییر رفتار فرد از نظر تربیت مطرح شده است (خطبه ۲۳۸). از آنچه گفته شد، چنین برمی‌آید که «انسان

مسلمان» در جامعه اسلامی مطرح و هدف است. مسلمانان باید دست اتحاد به هم بدهند و در عمل از پراکندگی بپرهیزند تا حق را در هر زمان و موقعیت تحقق بخشند و سرپرست اقطار زمینی شوند و لطف و مراحم پروردگار را نصیب خود سازند. امام (علیه السلام) در خطبه ۱۹۲ می‌فرماید:

خداوند بر این امت منت گذاشته و پیوند الفت و اتحاد را در بین آنها ایجاد کرده است تا در سایه آن زندگی کنند و در کنف حمایت آن پناهنده شوند؛ و این نعمتی است که احدی نمی‌تواند بهایی برای آن تعیین کند، زیرا از هر بهایی گرانقدرتر و از هر چیز پرارزشی باارزش‌تر است. در نهایت باید گفت که اساس روابط اجتماعی در اسلام و حقوق اقشار مختلف مردم در قبال یکدیگر، کاملاً در نهج‌البلاغه مشخص است؛ از جمله: حق کوچک‌تر بر بزرگ‌تر، حق والی بر رعیت، حق رهبریت بر امت و برعکس که در تبیین اهداف تربیت اسلامی باید بر آن تأکید شود.

بخش چهارم: روش‌شناسی تحقیق

مقاله حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی است؛ چرا که به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه، جهت سنجش نظرات استفاده شده (پیمایشی) است؛ و همچنین برای به نمایش گذاشتن ویژگی‌های نمونه آماری، طرح و تحلیل سؤالات به منظور توصیف وضع موجود از درصد جداول فراوانی و انحراف معیار به کار (توصیفی) استفاده شده است. از سوی دیگر با توجه به موضوع پژوهش که به بررسی رابطه الگوی تربیتی والدین و تربیت دینی فرزندان می‌پردازد، نوع تحقیق، کاربردی و از نوع همبستگی است؛ چرا که تحقیقات کاربردی در جستجوی دستیابی به یک هدف عملی است و تأکید آن بر تأمین سعادت و رفاه توده مردم و مطلوب بودن فعالیت است.

بخش پنجم: جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان گناوه است و نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۰۷ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده‌اند. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، از نوع تصادفی ساده بوده و از هر کدام از مدارس، تعدادی به صورت تصادفی به طوری که تمام اعضای جامعه شانس مساوی برای انتخاب شدن داشته باشند، صورت گرفته است.

بخش ششم: ابزار سنجش و گردآوری اطلاعات

ابزار اندازه‌گیری اطلاعات در این پژوهش به جز منابع کتابخانه‌ای از قبیل کتب، مجلات، فصلنامه‌ها و پایان‌نامه از پرسشنامه محقق ساخته برای آزمون فرضیات استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از اجرای آزمون (پرسشنامه پژوهشی) به دو صورت توصیفی و تحلیلی و با استفاده از جدول، درصد و استفاده از آمار تحلیلی «T» و «ضریب همبستگی» صورت گرفته است.

بخش هفتم: یافته‌های پژوهش

۱. بین اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رابطه معناداری وجود دارد.

تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام)		شاخص
۰/۷۱۶	همبستگی پیرسون	اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی
۰/۰۰۰	SIG	
۲۰۷	N	
P < ۰/۰۱		

جدول ۱: نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

با توجه به نتایج جدول شماره ۱، چون سطح معناداری کوچک‌تر از مقدار خطای ۰/۰۱ است، در نتیجه فرضیه صفر رد شده و فرضیه یک که (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) است، پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در سطح ۹۹ درصد رابطه مستقیم و معناداری بین اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۷۱۶ است.

۲. بین اخلاص در آموزه های دینی والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رابطه معناداری وجود دارد.

تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام)		شاخص
۰/۶۷۱	همبستگی پیرسون	اخلاص در آموزه های دینی والدین
۰/۰۰۰	SIG	
۲۰۷	N	
P < ۰/۰۱		

جدول ۲: نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین اخلاص در آموزه های دینی والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) با توجه به نتایج جدول شماره ۲، چون سطح معناداری کوچک‌تر از مقدار خطای ۰/۰۱ است، در نتیجه فرضیه رد شده و فرضیه که (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط اخلاص در آموزه های دینی والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در سطح ۹۹

درصد رابطه مستقیم و معناداری بین اخلاص در آموزه های دینی والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۶۷۱ است.

۳. بین ساده زیست بودن والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رابطه معناداری وجود دارد.

تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام)		شاخص
۰/۸۹۸	همبستگی پیرسون	ساده زیست بودن والدین
۰/۰۰۰	SIG	
۲۰۷	N	
P < ۰/۰۱		

جدول ۳: نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ساده زیست بودن والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

با توجه به نتایج جدول شماره ۳، چون سطح معناداری کوچک تر از مقدار خطای ۰/۰۱ است، در نتیجه فرضیه رد شده و فرضیه که (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین ساده زیست بودن والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، پذیرفته می شود. همان گونه که مشاهده می شود در سطح ۹۹ درصد رابطه مستقیم و معناداری بین ساده زیست بودن والدین و تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۸۹۸ است.

۴. بین سطح سواد والدین و تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام) رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آماری مربوط به مقایسه سطح سواد والدین در امر تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

SIG	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	سطح سواد
۰.۰۶۵	۱.۲۶	۱۰.۶۷	۴۲	۸۹	زیر دیپلم
		۱۷.۳۹	۵۸	۱۱۸	دیپلم و بالا

همان‌طور که در جدول شماره ۴، مشاهده می‌شود با توجه به اینکه عدد سطح معناداری مشاهده شده یا به عبارتی عدد ۰/۰۶۵ از سطح معناداری قابل قبول (۰/۰۵) بزرگ‌تر بوده، در نتیجه تفاوت معناداری بین سطح سواد والدین در امر تربیت دینی فرزندان مشاهده نشده است.

نتیجه گیری

از آنجا که تربیت از منظر دین ناظر به غایت‌های متعالی است، موضوع تربیت، شخصیت و ضمیر باطنی انسان است نه صرف رفتار و اعمال ظاهری او. بدین لحاظ روش‌های تربیتی بیش از اینکه دارای وجهه ای ظاهری بر اساس تنبیه و پاداش باشند از ویژگیها و کارکردهای درونی برخوردارند. این امر به طور طبیعی روشها را در محدوده ای برتر، یعنی اصول تربیت که چارچوب ارزشی تربیت را از دیدگاه مکتب و دین خاصی بیان می‌کند، قرار می‌دهد. بنابراین، کارایی اصول تربیت در زمینه تربیت دینی و ارزشی از اولویت و ترجیح بیشتری نسبت به روشها برخوردار است. از این جهت می‌توان گفت تربیت دینی یک نوع تربیت اصول مدار است تا روش مدار. خانواده، اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی می‌یابد. طبق تحقیقات بیشتر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، تجارت کودک در خانواده، زیربنای شخصیت و منش او را شکل می‌دهد. کودکان در محیط خانواده چنان پرورش می‌یابند که بتوانند راه و رسم زندگی والدین خود را دنبال کنند. والدین، واسطه انتقال آرمان‌های اجتماع به کودک هستند. آرمان‌های فرهنگی و تربیتی هر اجتماعی،

تعیین‌کننده نوع و چگونگی آموزش‌هایی هستند که کودک باید فراگیرد. از آنجا که الگوها و آرمان‌های فرهنگی گوناگونی در یک جامعه وجود دارد، والدین نیز براساس الگوها و آرمان‌های فرهنگی تربیتی خویش، فرزندان را به شیوه‌های گوناگونی پرورش می‌دهند. به زعم ماسگرو، محرومیت از والدین چه ذهنی و چه معنوی، رشد و شخصیت فرد را دچار نوعی نقصان خواهد کرد. با این اوصاف، والدین هنوز هم وظایف تربیتی خطیری برعهده دارند؛ زیرا کودکان معاصر بیش از کودکان گذشته، به پدر و مادر خود اعتنا می‌کنند و رفتار آنان را سرمشق و الگو قرار می‌دهند؛ پس هرگونه عملی که از والدین سرزند، چه مثبت و چه منفی، در حافظه فعال فرزند ثبت خواهد شد و بعدها مورد استفاده جدی قرار خواهد گرفت. همان‌طور که بیان شد، تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه تربیت دینی صورت گرفته است که هر یک از آنها از زوایای خاصی به موضوع نگریسته‌اند؛ محققانی که در این پژوهش نظرات خود را بیان کرده‌اند عبارت‌اند از: نوروزی و بدیعیان (۱۳۸۸)، همت بناری (۱۳۸۵)، بهشتی و نیکویی (۱۳۹۰)، جمال‌زاده (۱۳۸۵)، حسنی (۱۳۸۸)، رحمانی (۱۳۸۲)، نیک‌نژاد و همکاران (۱۳۸۶) و غیره؛ اما تحقیقات میدانی در این زمینه، زیاد به چشم نمی‌خورد و مقاله حاضر کوششی بوده است در جهت رفع کم‌وکاست این محدودیت و با تأکید بر نقش بی‌همتای والدین در تربیت فرزندان؛ چراکه دغدغه تربیت کودکان از دیرباز در همه خانواده‌ها وجود داشته است و اولیاء به داشتن فرزندان مؤدب، اجتماعی و دارای خصوصیات برتر، علاقه‌مند هستند. طبق تحقیقات صورت گرفته، فرزندان که دارای خصوصیات نیکویی هستند در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که پدر و مادر طبق یک الگوی تربیتی واحد و خوب، رشد کرده و فرزندان خود را نیز آن‌گونه تربیت نموده‌اند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که اهتمام والدین به نقش خدا در زندگی و اخلاص درآموزه‌های دینی والدین نقش اساسی در تربیت دینی فرزندان از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه به دنبال خواهد داشت و بین این دو مقوله ارتباط و وابستگی بالایی وجود دارد؛ یعنی داشتن دیدی مثبت یا منفی در مورد مذهب به طور قطع بر ذهن فرزند تأثیر مثبت یا منفی به جای

خواهد گذاشت. پس اینجا است که نقش خانواده و به‌ویژه نقش والدین در تربیت دینی فرزندان مشخص خواهد شد. بسیاری از رفتارها و گرایش‌های افراد، از قبیل گرایش به نماز و روزه، شرکت در کارهای خیر و اهمیت دادن به وظایف و تکالیف دینی، اغلب متأثر از تجارب خوشایند تربیتی آنان در خانه و خانواده است. بنابراین وظیفه ذاتی و اولیه والدین است که در دوران کودکی به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن، آموخته‌های مذهبی و دینی را با تجارب و احساسات خوشایند گره بزنند.

اخلاص در آموزه‌های دینی والدین و تأثیرگذاری آن، برای اینکه الگوپذیری فرزندان از والدین به خوبی صورت گیرد، نیاز است که کردار و گفتار یکی شود. آنچه والدین می‌گویند و به آن عمل می‌نمایند به منزله حجت تلقی شده و از اعتبار خاصی برخوردار خواهد بود. اغلب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری است و اولین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری افراد، کانون خانواده است؛ چرا که بسیاری از نخستین مهارت‌ها در سال‌های اول زندگی فرا گرفته می‌شوند و در این مرحله است که نخستین نصف‌النهار شخصیت فرد شکل می‌گیرد. بدیهی است چون افراد انسانی عاشق کمال و جمال‌اند، وقتی به طور عملی با رفتار پدران و مادران که مظاهری از این کمال و جمال هستند، برخورد کنند، بی‌اختیار شیفته و بی‌قرار شده و به سوی الگوی خوب جذب می‌شوند تا در پرتو این نزدیکی، به همانندسازی پردازند. کودکان در تقلیدپذیری مشهور هستند؛ آنها بسیاری از رفتارها و حرکات را از طریق تقلید کردن از دیگران و بزرگ‌ترها می‌آموزند. به همین دلیل می‌گویند وقتی که قصد آموزش رفتاری را به کودکان دارید، الگوی خوبی از آن رفتار را در معرض دید آنان قرار دهید تا آنها به تبعیت از آن الگو پردازند. ساده‌زیست بودن والدین در تربیت با استفاده از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، مؤلفه دیگری بود که در جریان پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و با تربیت دینی فرزندان پیوند خورد و همبستگی نسبتاً بالایی میان آن دو به دست آمد؛ اگرچه تاکنون هیچ تحقیق میدانی در این زمینه با بررسی‌های که صورت گرفته، یافت نشده است، اما می‌توان نتیجه تحقیق را با نمونه‌های عینی که عبارت است از: راه و روش بزرگان دین از جمله رسول مکرّم اسلام (ص)،

علی(ع) و حضرت زهرا(س) که هر سه بهترین الگو از یک انسان کامل بوده و خواهند بود، پیوند داد. که در اینجا به ساده‌زیستی شاگرد راستین مکتب نبوی و علوی، حضرت زهرا(س) اشاره خواهیم کرد؛ روزی سلمان فارسی چادر کهنه‌ایشان را دید که با لیف خرما دوازده جای آن وصله شده بود، متعجب شد و با گریه چنین گفت: «دختران قیصر و کسری در سندس و حریرند و دختر محمد(ص) روپوشی کهنه بر تن دارد که دوازده جای آن وصله شده است». آن حضرت گفت: «یا رسول الله(ص)! سلمان از لباس تعجب کرده است، قسم به آنکه تو را به حق مبعوث فرمود، پنج سال است که من و علی جز یک پوست گوسفند نداریم که روزها بر روی آن به شترمان علف می‌دهیم و چون شب فرا می‌رسد آن را فرش می‌کنیم و بالش ما از پوستی است که درون آن از لیف خرما پر شده» است (بحارالانوار، ج ۸، ۳۰۳). میزان تحصیلات والدین به عنوان آخرین مؤلفه در تربیت دینی فرزندان به بازی گرفته شد که تفاوت معنادار و آشکاری میان سطح سواد والدین و تربیت دینی فرزندان مشاهده نشد. اگرچه مصاحبی(۱۳۶۸) و آقامحمدی و همکاران(۱۳۸۹) در تحقیقات خود به نقش تحصیلات والدین در گرایش فرزندان آنها به نماز اشاره می‌کنند و می‌افزایند هرچه سطح سواد والدین بالاتر باشد، میزان گرایش به نماز در فرزندان آنها افزایش خواهد یافت.

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. چ هفتم. قم: نشر مشرقین.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۰). من لایحضره الفقیه. چ دوم. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۶). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع). چ دوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵. احمدی، احمد (۱۳۸۴). اصول و روشهای تربیت در اسلام. چ پنجم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۶. اعرافی، علیرضا؛ موسوی، سید نقی (۱۳۹۱). تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی. دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی. ۷ (۱۴): ۲۸-۷.
۷. امینی، ابراهیم (۱۳۸۱). اسلام و تعلیم و تربیت. چ پنجم. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۸. اناری نژاد، عباس (۱۳۸۶). تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه. تربیت اسلامی. س دوم. ش ۴: ۱۹۰-۱۶۳.
۹. باقری، خسرو (۱۳۸۲). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ویرایش دوم. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۱۰. بهشتی، محمد (۱۳۸۸). روشهای تربیت معنوی. خلق. ش ۱۴: ۲۴.

۱۱. بهشتی، سعید و روشنک نیکویی؛ «کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام»؛ فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، سال ششم، شماره ۱۸، ۱۳۸۹، صص ۱۷۸-۱۵۳.
۱۲. تقوی نسب، سیده نجمه و همکاران؛ «ضرورت نوآوری در روش‌های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی»؛ دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال چهارم، شماره ۹، ۱۳۸۸، صص ۲۵-۴۵.
۱۳. جزایری، مهناز؛ شخصیت پیشرفته؛ تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
۱۴. جمالی زاده، احمد؛ «سیره‌شناسی و تربیت دینی، مجله مطالعات ایرانی»؛ سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۳۸۵، صص ۷۱-۹۰.
۱۵. حسنی، سیدمحمدابراهیم؛ «روش‌های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج‌البلاغه»؛ دوماهنامه علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۷، ۱۳۸۴، صص ۱۶۰-۱۴۴.
۱۶. حاجی بابایی، حمیدرضا؛ «نقش خانواده در تربیت اسلامی»؛ ماهنامه پیوند، شماره ۳۹۷، ۱۳۹۱، صص ۵-۱۲.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). قصه دینی. فصلنامه سینمایی فارابی. ش ۲۱: ۲۱-۴.
۱۸. حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۵). والدین و فرزندان. چ سوم. قم: انتشارات مهدی نراقی.
۱۹. خوانساری، جمال (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و درر الکلم. چ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: انتشارات مرتضوی.

۲۱. رهبر، محمدتقی؛ اخلاق و تربیت اسلامی؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
۲۲. رضائی، فاطمه (۱۳۹۱). روشهای تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه. پژوهش در برنامه ریزی درسی. س نهم. دوره دوم. ش ۶: ۱۹ - ۱.
۲۳. سادات، محمدعلی؛ اخلاق اسلامی؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۲۴. فولادگر، محمد (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت در نهج البلاغه. اصفهان: انتشارات دارالتعلیم القرآن الکریم اصفهان
۲۵. کریمی، منیره؛ بررسی رابطه نگرش مذهبی والدین و شیوه فرزندپروری والدین و نگرش مذهبی دختران؛ دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۰.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). بحارالانوار. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت در اسلام. چ پنجاهم. تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. هیشمی، علی بن ابوبکر (۱۳۸۰). مجمع الزوائد و منبع الفوائد. تحقیق محمد عبدالقادر احمد عطا). بیروت: دارالکتب العلمیه.